

سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تاکید بر نقش فضاهای عمومی

مطالعه موردی: شهر تهران

دکتر فرح حبیب*، دکتر سید مجید نادری**، دکتر لعل جهانشاهلو***، مهندس حمیده فروزانگر****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۰۵/۲۵



چکیده

پژوهش با هدف تبیین و شناسایی مفهوم «سرمایه اجتماعی» در ساختار شهر و ارائه چارچوبی برای «ارزیابی»، در بستر مراجعه به «مستندات» و «پیمایشی توصیفی»، به ارزیابی شاخص‌ها و سنجه‌های «چارچوب پیشنهادی» پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌ها و سنجه‌های «ارزیابی سرمایه اجتماعی» در ساختار شهر را می‌توان در حوزه «احساس امنیت شهروندی»، «اعتماد و روابط متقابل»، «مشارکت اجتماعی» و «اجتماع پذیری» و «میزان تمایل به تعاملات و معاشرت‌های اجتماعی» دانست که در این میان فضاهای عمومی شهر، واجد نقشی اساسی در بستر سازی برای «مشارکت پذیری اجتماعی» و افزایش روابط دوستانه و انسجام اجتماعی از طریق امکان‌دهی به اجرای مراسم، آیین‌ها و جشن‌ها و دیدارهای دوستانه به شمار می‌رود. علاوه بر این، ارزیابی این شاخص‌ها در شهر مورد مطالعه می‌تواند زمینه‌ارائه راهکارهایی در بهبود و کارآمدی حوزه مداخلات برای افزایش سرمایه اجتماعی، باشد.

واژه‌های کلیدی

سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت شهروند، امنیت، اعتماد، فضاهای عمومی شهر

* دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. Email: f.habib@srbiau.ac.ir

** دانش‌آموخته دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: sm.naderi@yahoo.com

*** استادیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

**** دانشجوی دوره دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

مقدمه

نیز همگی پذیرفته اند دو مفهوم سرمایه اجتماعی و رابطه اجتماعی به یکدیگر گره خورده و از این رو بررسی سرمایه اجتماعی با بررسی رابطه اجتماعی آغاز می گردد. بعد از هانی فان، اندیشه سرمایه اجتماعی تا چندین دهه ناپدید شد. در دهه ۱۹۳۰، سیلورمن^۳ در مقاله «جوهر اصلی اقتصادها» به سرمایه اجتماعی اشاره نمود و در دهه ۱۹۵۰ گروهی از جامعه شناسان شهری کانادا (سیلی^۴، سیم^۵ و ولوزلی^۶، ۱۹۵۶) و در دهه ۱۹۶۰ یک استاد مسایل شهری (جیکوبز^۷، ۱۹۶۱) آن را دوباره احیا کردند.

کلمن مطرح نموده است سرمایه اجتماعی قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر است. سرمایه اجتماعی شاکله ساختاری روابط بین و میان فعالین اجتماعی است. کلمن واژگان سرمایه اجتماعی را نه با آن چه که هست، بلکه با آن چه که به وجود می آورد، تعریف می کند پدیده سرمایه اجتماعی تنها زمانی هستی می یابد و شکل می گیرد که اولاً در یک محیط اجتماعی معین (محیط واقعی یا محیط مجازی) انسان هایی در برابر یکدیگر قرار گرفته باشند و ثانیاً میان آن ها رابطه ای شکل گرفته باشد و جریان بیاید (کلمن، ۱۹۹۰، ۳۰۲). از نظر بوردیو «سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می شود.» (Bourdieu, 1985, 243). وول کوک سرمایه اجتماعی را مجموعه ای در هم تنیده از پیوستگی ها، پیوندهای ارتباطی و ارتباط های پیوندی می داند که مفهوم پیوستگی به ارتباطات، تعاملات، کنش ها و روابط اجتماعی افراد در عرصه های اجتماع پذیر جامعه یا نهادها اشاره دارد (Woolcock, Michael, 1998, 153).

تعاریف مذکور تنها بخشی از تعاریف عنوان شده در متون نظری سرمایه اجتماعی است. این مسئله نشان می دهد شاخصه غیر قابل مشاهده بودن سرمایه اجتماعی سبب شده است هر محقق با برداشت نسبی که از سرمایه اجتماعی دارد، اقدام به تعریف این پدیده ی جدید نماید. اما این امر به مفهوم این نیست که تعاریف مذکور در مقابل هم هستند و نکات مشترکی بین تعاریف های مذکور وجود ندارد، اما همه تعاریف به یک نکته اشاره کرده اند و بر اساس همین نکته ی مشترک می توان یک تعریف جامع از سرمایه اجتماعی عنوان نمود: سرمایه اجتماعی، قابلیت نهفته در روابط بین و میان افراد یک جامعه است که باعث انجام امورات آن جامعه می شود. در مجموع می توان عنوان نمود سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی برای تسهیل روابط میان افراد تلقی می شود.

فضاهای عمومی شهر و شکل گیری سرمایه اجتماعی

فضاهای شهر و خاصه فضاهای عمومی شهر، مکان تعامل و رفتارهای

با توجه به هدف تبیین مفاهیم و شناسایی شاخص ها و سنجه های ارزیابی «سرمایه اجتماعی» در ساختار شهر با رویکردی «پیمایشی توصیفی» به ارائه نتایج، بررسی و ارزیابی شاخص ها در شهر مورد مطالعه پرداخته شد. علاوه بر این در گام دوم، پس از بیان یافته های تحقیق در ارائه «چارچوب پیشنهادی» در ارزیابی سرمایه اجتماعی و به کارگیری آن در «تحقیقی میدانی» تلاش شد تا با بیان دیدگاه ها و نظریات اندیشمندان، به تبیین جایگاه «فضاهای عمومی شهری» در بستر سازی برای «مناسبات اجتماعی» و «تعاملات سازنده شهری» پرداخته شود و بر این نکته صحه گذارد که فضاهای عمومی شهر، می تواند دریچه ای باشد که داستان «زندگی جمعی» بر آن گشوده می شود، دریچه ای که نقشی اساسی در «مشارکت شهروندی» و «گسترش ارتباطات و مرادفات اجتماعی» دارد. در بخش نخست با بیان جدیدترین مفاهیم، رویکردها و صور شناختی سرمایه اجتماعی به تبیین جایگاه فضاهای شهر در بهبود و امکان دهی به سرمایه اجتماعی پرداخته شد و در ادامه، نتایج پژوهش میدانی در رویکردی پیمایشی توصیفی، بیان گردیده است.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش، پیمایشی از نوع «توصیفی» است که با بهره گیری از منابع، اسناد و مدارک مرتبط با تحقیق، از «پرسشنامه» در بستر تحقیقی میدانی نیز بهره برده است. تحلیل داده ها در سطح «آمار توصیفی» است که از فراوانی و «تحلیل مسیر» در قالب نرم افزار SPSS استفاده شده است.

چارچوب نظری سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی به سال ۱۹۱۶ در مقاله ای توسط «هانی فان»^۲ در دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد که بعدها در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی جین جیکبز مورد اشاره قرار گرفت. هانی فان عنوان نموده است میان سرمایه اجتماعی و رابطه اجتماعی پیوند درونی و تنگاتنگ وجود دارد و سرمایه اجتماعی در درون رابطه اجتماعی نهفته و پنهان است. این برداشت از اصطلاح سرمایه اجتماعی پایه همه بحث هایی است که پس از هانی فان مطرح شد و بدین سان، زمینه ورود این اصطلاح را به حوزه های گوناگون علوم اجتماعی - هرچند با کاربردهای متفاوت - فراهم آورد. نویسندگان پس از هانی فان

در مکان های تفریحی، نشست و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی، از فعالیت های انتخابی به شمار می آید.

- دسته سوم فعالیت شهری؛ «فعالیت های اجتماعی» است که بر اساس ویژگی فضاهای شهر در ابعاد «کالبدی» یا «روانی»، گستره وسیعی از رفتارهای شهروندی را در بر می گیرد. این فعالیت ها به دلیل تاثیر پذیری از فعالیت های دیگر «فعالیت های نهایی» نیز نامیده شده است. شرایط خاص فضاها در بعد کالبدی، از نظر ایستادن، نشست و بازی کردن، این فعالیت ها را تحت الشعاع قرار داده است. بر این اساس و بر اساس نظریات اندیشمندانی که در جدول شماره ۲ به آن ها اشاره می شود می توان این فعالیت های شهروندی در عرصه فضاهای عمومی شهر را سرچشمه سرمایه اجتماعی در ساختار شهر به شمار آورد که به زعم صاحب نظران مطروحه، اساسی ترین بستر مکانی برای شکل گیری سرمایه اجتماعی و بهبود میزان آن به شمار می روند. تحقیقات و تجارب جهانی صورت گرفته درباره «فضاهای عمومی شهر» را می توان در جدول شماره ۱ جمع بندی کرد که در این تحقیق در طرح «سوالات پرسشنامه» در رابطه با تاکید بر نقش فضاهای عمومی در افزایش سرمایه اجتماعی یا «پیشینه نظری موضوع»، مورد مطالعه قرار گرفته است.

این تحقیقات بر این نکته اشتراک دارند که «فضاهای عمومی شهر»، باید مکانی برای «تعاملات اجتماعی» و «زندگی جمعی» باشند. فضاهای عمومی را دارای رسالتی برای افزایش «سرمایه اجتماعی» در جوامع، در بستر تعاملات و مراودات اجتماعی دانسته که می توانند بستری برای توسعه و شکل گیری «هویت فردی» و «اجتماعی» باشند (Mitchell, 1996). «مطالعات جهانی» صورت گرفته درباره فضاهای عمومی شهر، این فضاها را در صورت مقبولیت پذیری آن ها توسط شهروندان، از راه «توانمند سازی محیط شهر»، واجد کارکردهای خاص اجتماعی دانسته و به شرح زیر می باشد:

- مکان شکل گیری «تعاملات اجتماعی» و «مراودات شهروندی».

شهروندی است و روح اجتماعی و احساس تجانس اجتماعی را در خود شکل می دهد (Punter, 1995). در این فضاها این فرصت فراهم می شود که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شود و برخوردهای از پیش تعیین نشده به وقوع بپیوندد.

شرط اساسی فضاهای عمومی این است که در آن ها تعامل و مراوده اجتماعی صورت گیرد. همچنین فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست، بلکه اندر کنش «تعاملات شهروندی» و «فعالیت های شهری» را نیز در بر می گیرد یعنی کالبدی از شهر را مجسم می کند که مکان برقراری فعالیت های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی است. فرانسویس تیبالدز (۱۹۹۲) فضای شهری را بخشی از بافت شهر می داند که عموم مردم به آن دسترسی کالبدی و بصری دارند. کار و همکاران نیز آن را بستر مشترکی برای فعالیت ها، کارکردها و مراسم مردم مانند جشن ها، آیین ها و آداب و رسوم فرهنگی و ابراز عقاید سیاسی و اجتماعی، می دانند (Carr et al, 1992). بر این اساس وظایف فضاهای عمومی را می توان چنین عنوان نمود:

ایزاری در جهت ارتباطات و مراودات شبکه های اجتماعی، مکانی برای رویارویی و انجام مراسم شهروندی، مدیریت و هماهنگ سازی فعالیت های شهروندی (کارمونا، ۱۳۸۸).

بر این اساس فضاهای عمومی شهر ظرف «فعالیت های شهر» و بستری برای «تعاملات اجتماعی» و زمینه ساز شکل گیری سرمایه اجتماعی به شمار می آید که فعالیت های مرتبط با آن سه طیف متفاوت را در بر می گیرد (Gehl, 1987, 54-67):

- دسته اول فعالیت های شهروند در شهر؛ «فعالیت های با اهمیت» که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارد. فعالیت هایی مانند رفتن به محل کار و انجام خرید و انتظار در ایستگاه اتوبوس در این دسته جای می گیرد.

- دسته دوم «فعالیت های گزینشی و انتخابی» که در شرایط مناسب و وضعیت دلخواه افراد، ضرورت می یابد. قدم زدن در هوای آزاد، توقف

جدول ۱. تحقیقات و تجارب جهانی درباره فضاهای عمومی شهر

Tibbains, 1992	۳	Calthorpe, 1993	۲	Goodman, 1968	۱
Sorkin, 1992	۶	Berman, 1986	۵	Madanipour, 1992	۴
Vernez, 1992	۹	Hayden, 1995	۸	Rogers, 2003	۷
Moudon, 1993	۱۲	Walzer, 1986	۱۱	Pasogullari, 2004	۱۰
Glazer, 1987	۱۵	Francis, 1989	۱۴	Meyers, 2003	۱۳
Worpole, 1992	۱۸	Wolfgang, 2000	۱۷	Doratly, 2004	۱۶

جدول ۲. اهداف اجتماعی در طراحی فضاهای شهر

۱	تقویت راه های ارتباطی شخصی بصری گفتاری و دیداری در بستر تعاملات اجتماعی
۲	احساس تعلق خاطر به فضاهای شهری و شکل گیری آرامش درونی و آسایش بیرونی
۳	نقش تسهیل کننده و نه بازدارنده در فعالیت های اجتماعی شهروندی و هدایت در مسیر مطلوب و بهنجار
۴	تقویت احساس تعلق به جامعه و کمک به شکل گیری سرمایه های اجتماعی
۵	پاسخگویی به تمام گروه های اجتماعی و خاصه گروه های آسیب پذیر و برابری اجتماعی - فضایی
۶	ایجاد تجربه های بیاد ماندنی و ارزشمند و برانگیزش حس کاوش و تعلق در فضاهای شهری

راستای تعیین شاخص های ارزیابی و توجیه سنجه هایی که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته، به شاخص شناسی معیارهای ارزیابی سرمایه اجتماعی اشاره می گردد:

- شاخص شناسی «پوتنام» (Putnam, 2000): پوتنام، ارزیابی سرمایه اجتماعی را در ارتباط با «میزان مشغله های زندگی اجتماعی» و «فعالیت های سازمانی»، «مشغولیت های عمومی» مانند انتخابات، «مشارکت های اختیاری شهروندان» در فعالیت های اجتماعی شهری، «اجتماعی شدن غیر رسمی» مانند دیدار با دوستان می داند.

- شاخص شناسی «الریگ و هالپرن»: الریگ و هالپرن، برای سنجش میزان سرمایه اجتماعی از شاخص هایی ساده در سطح ۳۰ کشور جهان استفاده کرده اند که در این میان می توان به «میزان تمایل شهروندان در شرکت در شرکت در گردهم آیی های اجتماعی»، «میزان مشارکت در انتخابات و گزینش های سیاسی»، «تمایل و میزان اعتماد محلی» اشاره کرد. در این تحقیق که از بنیادی ترین سنجش های مفاهیم سرمایه اجتماعی به شمار می رود، در پرسشی از شهروندان سوال شد: «آیا اغلب می توان به دیگر شهروندان اعتماد کرد؟» در پاسخ به این پرسش نظرات دارای گستره های متفاوت و متغایر و در عین حال قابل توجهی است، چنان چه واریانس نظرات شهروندان را در حدود ۶۰ درصد در کشورهای «اسکاندیناوی» تا ۳ درصد در «برزیل» نشان می دهد (پورجعفر، ۱۳۸۹).

- شاخص شناسی «هال» (Hall, 1998): هال در این رابطه به شبکه هایی از «میزان جامعه پذیری» (رسمی و غیر رسمی) و «هنجارهایی از اعتماد اجتماعی» اشاره دارد که در میزان «اجتماع پذیری شهروندان» و تمایل برای حضور در «فضاهای عمومی» شهر، امکان تحقق می یابد. - شاخص شناسی «SAONS»: در این رابطه باید به سنجه هایی مانند «مشارکت اجتماعی» در شبکه های اجتماعی در گستره ای از «نهادهای دولتی» تا «ارگان های خصوصی و سازمان های مردم نهاد»، اشاره نمود. همچنین می توان از شاخص های مربوط

- افزایش میزان «سرمایه های اجتماعی» در ساختار شهر. - مکان شکل دهی به «یکپارچگی اجتماعی» و بسط «همبستگی ملی».

- فرصت سازی برای تقویت کارکردهای سیاسی - مدنی و تقویت «انجمن های محلی».

- عرصه نمایش و پرورش «ارزش های فرهنگی» و «اجتماعی» یک ملت یا قوم.

بر این اساس «اجتماع پذیری» از مهم ترین عوامل مطلوبیت سنجی فضاهای شهری به حساب می آید که بر این نکته تصریح دارد که یک محیط مطلوب به طور یقین مورد استفاده و کاربری اجتماعی قرار می گیرد و در بحث فضاهای اجتماعی و عرصه «متعامل ارتباطات جمعی» باید بر این نکته توجه شود که تنها فضایی عرصه تعاملات اجتماعی قرار می گیرد که مطلوب و مورد خواست اجتماعی قرار گیرد و صرف طراحی هر گونه فضایی بدون التفات به نحوه «خواست اجتماعی» یا نوع «رفتارهای جمعی» در محیط های شهری باعث حتمی بودن و قطعیت در کاربری صرف و بهینه از فضاهای شهری نمی شود. همچنین توجه به اقشار آسیب پذیر اجتماعی مانند معلولان و سالمندان نیز در شهر واجد اهمیت است چنانچه افزایش میزان حضور اقشار آسیب پذیر اجتماعی می تواند میزان همبستگی اجتماعی و ارتباطات و تعاملات این گروه را نیز با دیگر افراد اجتماع افزایش داده که ازدیاد شاخص های سرمایه اجتماعی در ساختار شهر را نیز در پی دارد.

ارزیابی سرمایه اجتماعی: شاخص ها و سنجه ها

از آن جا که اجماع کلی درباره سنجه های سرمایه اجتماعی در ساختار شهر موجود نیست (Fukuyama, 1999) و شاید به دلیل پیچیدگی های ساختاری این مفهوم، امکان تجمیع شاخص های ارزیابی و سنجش آن فراهم نمی شود، نمی توان انتظار داشت که رویکردی جامع و مانع بر میزان سنجی آن در عرصه های عمومی شهر ممکن شود. در

به «گرایش‌ها»، «نگرش‌ها» و «ارزش‌ها» نیز اشاره کرد که به میزان «هویت‌پذیری»، «سیستم اعتقادی»، «ارزش‌ها» و «اهداف مشترک جمعی»، «ترس‌ها و دلهره‌های مشترک اجتماعی»، «تاریخ» و «انتظارات مشترک» و «میزان اعتماد و اطمینان» بین گروه‌های اجتماعی و شهروندان اشاره نمود.

روش تمقیق

از آن‌جا که هدف پژوهش، در مرحله نخست، «شناسایی» است و «جنبه تحلیلی» آن حالت ثانوی دارد، بر این اساس روش تحقیق، پیمایشی از نوع «توصیفی» است که با بهره‌گیری از منابع، اسناد و مدارک مرتبط با تحقیق، از «پرسشنامه» در بستر تحقیقی میدانی نیز بهره‌برده است. تحلیل داده‌ها در سطح «آمار توصیفی» است که از فراوانی و «تحلیل مسیر» در قالب نرم افزار SPSS استفاده شده است. نمونه‌گیری به صورت «تصادفی» و در حجم خانوار ۵۰ نفر صورت گرفته است. تعداد سؤالات پرسشنامه ۴۰ عدد و در مورد سنجه‌ها و شاخص‌های ارزیابی سرمایه اجتماعی و با تاکید بر نقش فضاهای عمومی شهر و ساختار محله در تقویت و شکل‌دهی به این مفهوم، بوده است. سؤالات پرسشنامه بر اساس اهداف تحقیق در شناسایی ارزیابی و میزان سنجی مولفه‌های سرمایه اجتماعی در شهر که از اجماع آرای حوزه اندیشیدگی سرمایه اجتماعی حاصل شده‌اند و نقش فضاهای عمومی و محلات در این رابطه، تنظیم و انتخاب و به صورت سؤال‌های «بسته پاسخ» و سؤال‌های «باز-پاسخ» ارائه شده است. سؤالات بسته - پاسخ به دو صورت «مقیاس چند درجه‌ای» و «تعیین اولویت» ارائه شده‌اند و از طرح زیاد سؤالات باز - پاسخ، برای افزایش ضریب پاسخ‌دهی شهروندان و ارتقاء موثر درستی آنها پرهیز شده است. در عین حال از آنجا که فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نبود، بر این اساس تعداد خانوارها از طریق «نمونه‌گیری خوشه‌ای» و از هر خوشه به صورت «تصادفی» انتخاب شده است.

بیان یافته‌های تمقیق

برای سنجش میزان «سرمایه اجتماعی» و ابعاد فراگیر آن، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۴۰ سوال تدارک دیده شد که پس از نظرسنجی از شهروندان، مورد استخراج نتایج، تحلیل و ارزیابی قرار گرفت. در ضمن از آن‌جا که سرمایه اجتماعی در ساختار شهری می‌تواند ارتباط ساختاری فراگیری با ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی و محیطی را در بر گیرد، تلاش شد تا این امر مورد توجه قرار گیرد. محور سؤالات را مولفه‌های اعتماد، امنیت، مشارکت‌پذیری و میزان تمایل به مراودات

و تعاملات شهروندی، تشکیل داد. از آن‌جا که ارزیابی و سنجش میزان سرمایه اجتماعی می‌تواند در سه رویکرد «کمی»، «کیفی»^۱ و «تطبیقی»^{۱۱} صورت گیرد، می‌توان بر اساس نوع دیدگاه یا میزان ارزیابی نتایج، مؤلفه‌هایی را برای سنجه‌ها و شاخص‌های ارزیابی در نظر گرفت. در طرح سؤالات پرسشنامه در این پیمایش نیز از اجماع نظرات صاحب‌نظران داخلی و شارحان مفهوم سرمایه اجتماعی در خارج، استفاده شده است که در این میان می‌توان آن‌ها را در بستر چارچوب زیر بیان کرد:

- میزان سنجی «امنیت در ساختار فضاهای عمومی شهر» در حوزه‌های سیاسی، دینی، اجتماعی و مدنی و تاکید بر مؤلفه‌های امنیت ساز فضاهای عمومی شهر.

- میزان سنجی «اعتماد اجتماعی» در ساختار شهر در سطوح خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان محلی، نهادهای اجتماعی و دولت و بررسی تأثیرات آن بر میزان کاربرست فضاهای شهر.

- میزان سنجی «مشارکت‌پذیری اجتماعی» در حوزه‌های فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، فعالیت‌های نوع دوستانه و کمک به اقشار نیازمند اجتماعی، و فعالیت‌های اداره و بهسازی امور محلات شهر و تاکید بر نقش فضاهای عمومی شهر در بستر سازی برای «مشارکت‌سازی اجتماعی» یا «مشارکت‌پذیری شهروندی».

- میزان سنجی «لازمه‌های جامعه مدنی» در بستر مفاهیم سازمان‌های جامعه مدنی، حقوق شهروندی و فضای باز سیاسی، و عدم تفتیش عقاید فردی.

- میزان سنجی میزان «ارتباطات و رفت و آمدهای اجتماعی» در حوزه صله رحم، ارتباطات دوستانه و خانوادگی و پیوستگی‌های همسایگی و نقش فضاهای عمومی شهری در بستر سازی برای بهسازی مراودات و ارتباطات شهروندی.

- میزان سنجی «تعاملات اجتماعی» در حوزه چهار کانون خانواده، و خویشاوندان، اجتماع محلی (محله و همسایگان محلی)، جامعه (شهروندی) و دولت (نهادهای حکومت داری) با تاکید بر نقش فضاهای عمومی شهر.

- میزان سنجی «رضایتمندی شهروندی» در مقوله‌های «کیفیت زندگی شهر»، مقوله‌های اقتصادی - درآمد کافی و اشتغال - و اجتماعی، مذهبی و سیاسی.

- میزان سنجی «اجتماع‌پذیری شهروندی» در عرصه فضاهای عمومی و نقش فضاهای شهری در بهسازی شاخص‌های اجتماع‌پذیری.

می‌توان محورهای پیشنهادی پژوهش را در انطباق با ساختار اجتماعی و چالش‌های پیش‌روی «سرمایه اجتماعی» در ایران،

دانست که واجد هماهنگی با محورهای ارزیابی اندیشمندان این حوزه نیز به شمار می رود. لازم به ذکر است بنا به دیدگاه بسیاری از اندیشمندان حوزه شهرسازی و علوم اجتماعی و صاحب نظران حوزه اندیشه سرمایه اجتماعی، نمی توان از نقش فضاهای عمومی شهر در میزان سرمایه اجتماعی غافل شد، چنانچه «فضاهای شهری» را باید عرصه ای کالبدی برای «مناسبات دوستانه» و «تعاملات اجتماعی» و «مراودات شهروندی» دانست که امکان «مشارکت سازی اجتماعی» و «مشارکت پذیری شهروندی» یا «توانمند سازی اجتماع برای نهاد سازی»، «شرکت در مراسم» و «گردهمایی های دوستانه» و «دیدارهای دوستان و خویشاوندان» را فراهم می کند. در ادامه به بررسی نتایج پژوهش در حوزه «احساس امنیت شهری»، «اعتماد اجتماعی» و «مشارکت شهروندی»، در شهر مورد مطالعه اشاره می گردد.

احساس امنیت شهروندی: ارزیابی و شفاف‌سازی ها

«امنیت» واجد معانی آرامش و آسایش و ایمنی است (فرهنگ عمید، ۱۳۴۵، ۱۳۸) که نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می شود که از مولفه های فعال محیط حاصل می شود و پس از ادراک ذهن، گونه ای احساس در امان بودن را به وجود می آورد. «احساس امنیت» نیز از قرارگیری انسان در شرایط محیطی به مثابه نوعی «ادراک روانی»^{۱۲} حاصل می شود که از یک ساختار شهری و فرهنگی خاص، با ساختار فرهنگی و اجتماعی دیگر متمایز می شود. امنیت به واسطه تهدیدها مورد چالش واقع می شود که این تهدیدها را می توان در قالب «تهدیدهای مادی مثل تعرض جانی»، «تهدیدهای اقتصادی مانند عدم دسترسی به شغل»، «تهدید نسبت به حقوق شهروندی یا تهدید جایگاه اجتماعی» بیان نمود (بوزان، ۱۳۷۸، ۵۳). از سویی دیگر، «امنیت انسانی»^{۱۳} از مهم ترین مشخصه های «رفاه اجتماعی»^{۱۴} تلقی می شود، به نحوی که محور اصلی توسعه پایدار^{۱۵} در قرن حاضر را «امنیت انسانی» تشکیل می دهد که بر اساس «گزارش توسعه انسانی سازمان ملل» طی سال های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸، جنبه های امنیت شغلی، امنیت از جهت درآمد، سلامت جسمی و روانی و امنیت زیست محیطی را نیز در بر می گیرد (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۱۹۹۴، ۴). «نیازهای ایمنی» بعد از «نیازهای زیستی» مهم ترین نیازهای انسانی به شمار می آیند (Maslow, 1970). بی نظمی ساختار اجتماعی نیز می تواند از گسترش نا امنی به وجود آید که به خشونت اجتماعی یا خرده فرهنگ های هنجار ستیز، منتهی می شود. در بعد اجتماعی از دیدگاه انسان شناختی زیمل به حیات اجتماعی شهر (زیمل، ۱۳۷۲، ۵۴)، اساس روانشناختی انسان کلان شهری در تشدید تحریکات عصبی

نهفته است که ناشی از تغییر سریع و مستمر محرک های بیرونی و درونی است. فوکویاما درباره «امنیت اجتماعی» در شهرها به راهکاری اشاره دارد که به افزایش «مشارکت محلی» مردم و بهبود «احساس مسئولیت شهروندان محلی» در ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی شهر و کمک به دیگران در هنگام تجاوز و تعدی اشاره دارد که ارتباط مفهومی نزدیکی با مفهوم «سرمایه اجتماعی» دارد. از این جهت که راهبردهای معطوف به امنیت شهروندی، امری موثر بر تمامی جنبه های سیاست گذاری نظام و فرایند تصمیم سازی در حوزه برنامه ریزی شهری است، التفات هم زمان به مفاهیم «امنیت شهری» و بهره گیری از «سرمایه اجتماعی» و «مشارکت همگانی»^{۱۶} امری اساسی به نظر می آید. بر این اساس است که التفات به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و ملی و حتی کالبدی در مقوله احساس امنیت^{۱۷} از دیدگاه شهروندی در روند برنامه ریزی، از این لحاظ مهم می نماید که تامین آسایش همگانی و رفاه شهروندی و به تبع بهبود سرمایه اجتماعی را، تنها در صورتی شدنی می داند که امنیت به عنوان مؤلفه ای اساسی، مورد بررسی قرار گیرد. در رابطه با مؤلفه های امنیت شهری و احساس امنیت شهروندان، تحقیقی جامع توسط نگارندگان صورت گرفته است که در اینجا تنها به بخشی اشاره می شود. در رابطه با امنیت اقتصادی از شهروندان سؤال شد «شهر را مکان مناسبی برای سرمایه گذاری اقتصادی می دانید؟» در پاسخ ۶۹/۵ درصد شهروندان، شهر را مکان مناسبی برای سرمایه گذاری دانسته اند. در ارتباط با امنیت اجتماعی و در پاسخ به سوال، «به کمک شهروندان در شهر ایمان دارید؟»، ۶۵/۲ درصد اظهار داشته اند که باور دارند، شهروندان به آن ها کمک می کنند. در رابطه با امنیت سیاسی از شهروندان پرسیده شد: «در این شهر تفتیش عقاید وجود ندارد؟» که در این میان ۴۷ درصد اظهار داشته اند که از تفتیش عقاید در شهر نگران هستند. در راستای امنیت سنجی در مقوله امنیت دینی و در رابطه با نگرانی از کم رنگ شدن ارزش های دینی، ۷۰/۸ درصد شهروندان اظهار نگرانی کرده اند. در رابطه با امنیت محیطی و در پاسخ به پرسش، «شهر را مکانی ایمن در برابر سوانح و بلایای طبیعی می دانید؟» تنها ۱۲ درصد شهر را در برابر بلایای طبیعی و حوادث غیر مترقبه دارای ایمنی دانسته اند. بر اساس نمودار می توان دریافت در صورتی که شیب منحنی مثبت باشد، می توان میزان احساس امنیت شهروندان را مثبت ارزیابی کرد. در این میان به راحتی دریافت می شود که امنیت در ابعاد اجتماعی و اقتصادی در حد مطلوب برآورده می شود، ولی تا حدودی متزلزل نشان می دهد و باید در راستای بهبود دهی مولفه های امنیت شهری، اقداماتی صورت گیرد. امنیت سیاسی نسبت به دو مؤلفه قبلی

حالت آشفته تری دارد که ضرورت پیگیری و علت جویی را در ساختار شهر مورد مطالعه را لازم می‌کند. امنیت دینی در شهر مورد مطالعه منفی ارزیابی می‌شود که دلیل آن را می‌توان در ساختار مذهبی شهر و بی‌توجهی نسل جوان به مفاهیم و مضامین مذهبی، با توجه به بحران‌های هویتی نسل معاصر و عوامل تابعه، دانست. در این میان امنیت محیطی، «بحرانی» ارزیابی می‌شود که دلیل آن را می‌توان در زلزله‌های متوالی در سایر استان‌های کشور و شیعه زلزله در تهران دانست که می‌طلبد تا در این راستا، اقداماتی عاجل در جهت بهبود میزان احساس امنیت شهروندان در مقوله امنیت محیطی صورت پذیرد.

اعتماد در شبکه‌های اجتماعی: ارزیابی و شفاف‌ها

«اعتماد» را باید ریشه اجتماعی در استمرار «تعاملات و مراودات انسانی» دانست، بالاخص در صورتی که استمرار زمانی و تداوم «روابط اجتماعی» در آینده، مورد نیاز باشد. در هر صورت به آسانی دریافت می‌شود که بدون ایجاد اطمینان و اعتماد شهروندان در اجتماع محلی و جامعه شهری، نمی‌توان انتظار بهبود میزان سرمایه اجتماعی را در رویکرد کیفی و حتی در سنج‌های کمی، داشت. در این راستا میزان «اعتماد شهروندان» را می‌توان شاخصه‌ای اساسی در سنجش سرمایه اجتماعی دانست، چنانچه در پژوهش‌های جهانی نیز به این مولفه توجهی ویژه معطوف شده است. میزان اعتماد را می‌توان در حوزه «اعتماد خانوادگی» و «خویشاوندی»، «اعتماد به دوستان»، «اجتماع محلی» (همسایگان) و سطوح کلان «جامعه» و «دولت» و «نهادهای حکومتداری» مورد ارزیابی قرار داد. بر این اساس از شهروندان در رابطه با میزان اعتماد به خانواده خویشاوندان سؤالاتی به عمل آمد. در این میان، هرچند که میزان اعتماد به «اهالی خانواده» در سطح مقبولی ارزیابی می‌شود ولی میزان اعتماد به دوستان نزدیک از خویشاوندان در مرتبه بالاتری قرار دارد. جالب اینکه حتی میزان اعتماد به «همسایگان محلی» نیز، در مرتبه بالاتر از اعتماد به «خویشاوندان» ارزیابی شده است که باید در رویکردی جامع نسبت به دلایل بی‌اعتمادی در حوزه روابط این شبکه‌های اجتماعی، نوعی ارزیابی کیفی صورت گیرد. در رابطه با این پرسش که «آیا به افراد خانواده خود اعتماد دارید؟»، ۷۲/۳ درصد شهروندان به افراد خانواده خود اعتماد دارند که با توجه به «انسجام بنیان خانواده» در ایران بدیهی به نظر می‌رسد. در رابطه با خویشاوندان نیز ۵۳/۱ درصد اظهار اعتماد کرده‌اند، در حالی که نسبت به دوستان ۷۱/۸ درصد اعتماد داشته‌اند. دلایل این امر را می‌توان در درصد بالای سنی جوان پرسش‌شوندگان

و درگیری‌های خانوادگی یا کدورت‌های خویشاوندی جستجو کرد. همچنین در پاسخ به این سوال که: «اغلب می‌توان به دیگران اعتماد کرد؟» ۶۱/۵ درصد شهروندان اظهار داشته‌اند که اغلب می‌توان به دیگران اعتماد داشت. با مقایسه این میزان با جدول شاخص‌شناسی آلیگ و هالپرن دریافت می‌شود که این درصد قابل قبول نشان می‌دهد و از وضعیت مطلوبی نسبت به دیگر کشورها برخوردار است. در مجموع سطح اعتماد به خانواده و دوستان در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود و میزان اعتماد به همسایگان محلی نیز از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. میزان اعتماد به خویشاوندان در پایین‌ترین مرتبه نسبت به موارد قبلی قرار دارد که اقداماتی در راستای بررسی دلایل و ارائه راهکارهایی برای افزایش اعتماد این شبکه‌های اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد.

مشارکت اجتماعی: ارزیابی و شفاف‌ها

هرچند که مفهوم «مشارکت» از ابهام فراگیری برخوردار می‌شود (گای، ۱۳۷۱، ۶۳) و به تبع آن «مشارکت اجتماعی» به موضوعی پیچیده تبدیل شده است (Smith, 1991, 112)، پس ارائه تعریفی جهان شمول برای آن دشوار می‌نماید (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰، ۳۳). در هر صورت می‌توان دریافت میزان مشارکت اجتماعی، نشان از انسجام و «همبستگی اجتماعی» دارد و می‌تواند سنج‌های ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی در «ابعاد کیفی» قلمداد شود. «مشارکت» را می‌توان میزان دخالت اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری (راجرز و شومیکر، ۱۳۶۹، ۳۰۴)، برانگیختن حساسیت مردم در ادراک، و توانمندی در پاسخگویی به طرح‌های توسعه در ابعاد گوناگون (عفتی، ۱۳۷۱، ۸۴) یا فرآیندی در راستای باروری نیروی تصمیم‌گیری و موجبات رشد و توانایی اساسی بشر دانست (میسرا و چیمبا، ۱۳۶۵، ۳۲). از سوی دیگر مشارکت اجتماعی را مؤلفه‌ای اساسی در ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر می‌دانند که می‌تواند با درگیری «شبکه‌های اجتماعی» در میزان همبستگی و ایجاد تعاملات و ارتباطات سازنده بین گروهی یا درون شبکه‌ای، تاثیر گذار باشد. بر این اساس می‌توان حوزه‌های متفاوتی برای ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی متصور شد که مواردی مانند «مشارکت در اداره امور محلی»، «انتخابات» و «مشارکت در نهادهای مدنی» و «شرکت در کمک‌های نوع دوستانه و خیر خواهانه» را در گستره‌ای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بر می‌گیرد. بر این اساس سؤالاتی در رابطه با میزان «تمایل به مشارکت‌های اجتماعی» تدارک دیده شد. در حوزه مشارکت سیاسی، از شهروندان سوال شد: «در انتخابات‌های سیاسی شرکت می‌کنید؟». در پاسخ ۶۳/۸ درصد شهروندان اظهار

اساسی در بهبود و افزایش میزان سرمایہ اجتماعی در ساختار شہر بہ شمار می رود. در ضمن با نگاہی بہ ساختار فضاهای عمومی شہر در کشورہای دیگر می توان دریافت این فضاہا مکانی برای ایجاد و شکل گیری روابط دوستانہ و خانوادگی، دیدار و ملاقات دوستان و شکل گیری نهادہا و شبکہ های اجتماعی شدہ اند، در حالی کہ در ایران ہنوز نسبت بہ نقش سازندہ ای کہ این فضاہا می توانند در اجتماع پذیری یا رضایتمندی شہروندی و بہبود کیفیت زندگی داشتہ باشند، توجہی نمی شود. فضاهای عمومی شہر می توانند در بعد ساختاری، بعد رابطہ ای و بعد شناختی، حوزہ مداخلات کارآمدی را در ارتقاء میزان سرمایہ اجتماعی، بالخص در ساختار شہر فراہم کنند. از سویی دیگر، ارزیابی سرمایہ اجتماعی در نوع رویکردی انتخابی - رویکرد کمی، کیفی و انطباقی -، شاخص ہا و سنجہ های گوناگونی را در حوزہ شاخص های ارزیابی سرمایہ اجتماعی دخیل می کند، درحالی کہ با اجماع این سنجہ ہا و شاخص های پیشنهادی کہ از حوزہ اندیشیدگی صاحب نظران این مفہوم حاصل شدہ -، امکان ارائہ چارچوبی برای ارزیابی سرمایہ اجتماعی بہ وجود می آید کہ محورہای اساسی آن را باید «احساس امنیت شہروندان»، «میزان اعتماد متقابل در شبکہ های اجتماعی در روابط افقی یا عمودی»، و «مشارکت اجتماعی» و «اجتماع پذیری» و «میزان تعاملات و مراودات سالم و سازندہ اجتماعی» در حوزہ های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی دانست.

تمایل کردہ اند کہ در انتخابات شرکت می کنند کہ با وجود قابل قبول بودن نسبی، تا حدودی متزلزل نشان می دہد و باید دلایل نسبی شدن تمایل شہروندان بہ حضور در انتخابات و جریان های سیاسی مورد ارزیابی قرار گیرد، چرا کہ مشارکت های سیاسی را مولفہ ای اساسی در شکل دہی سرمایہ اجتماعی در بستر «جامعہ مدنی» می دانند کہ نشان از حقوق شہروندی دارد، چنانچہ «دیدہ شہروندی» را ناشی از آرایش سیاسی ویژه ای می دانند کہ ارتباط دہندہ دولت و جامعہ بہ شمار می آید و در تقابل با «پدیدہ دولت» معنا می یابد (پوچی، ۱۳۷۷، ۷۱). در رابطہ با اقدامات انسان دوستانہ و مشارکت در کمک بہ نیازمندان، ۸۰ درصد شہروندان اظہار تمایل کردہ اند کہ نشان دہندہ وجود ارتباطات اجتماعی کارآمد در این زمینہ و اعتلای میزان «سرمایہ اجتماعی نوع دوستانہ» در میان شہروندان است. وجود قابلیت های طبیعی در نوع دوستی کہ از ویژگی های بارز ایرانی بہ شمار می رود، می طلبد با ایجاد انگیزاندہ های بیشتری امکان ایجاد این ارتباطات انسانی در شبکہ های اجتماعی افزون تر شود. در رابطہ با امور محلی نیز، ۷۸/۸ درصد شہروندان نسبت بہ مشارکت های محلی در سطح اجتماعات محلہ ای اظہار تمایل دارند کہ می توان با ایجاد نهادہای اجتماعی درون محلہ ای، تقویت انجمن های محلی و شوراهای ہمباری شہری در بہبود بیشتر مشارکت های محلہ ای تاثیر مثبت داشت.

نتیجہ گیری

پی نوشت ہا

1. Coleman
2. Hanifan
3. Silverman
4. Selly
5. Sim
6. Loosely
7. Jacobs, Jane
8. NGO and CBO
9. Quantities
10. Qualitative
11. Comparative
12. Spiritual Perception
13. Human Security
14. Social Welfare
15. Sustainable Development
16. Common Participation
17. Sense of Security

سرمایہ اجتماعی مجموعہ ای از منابع واقعی یا بالقوہ ای است کہ در نتیجہ «شبکہ های اجتماعی» در بستر «روابط نهادی شدہ» بہ وجود می آید کہ می تواند امکان بہبود زندگی شہری و افزایش «رضایتمندی شہروندی» را بہ ہمراہ داشتہ باشد. سرمایہ اجتماعی محوری اساسی در «توسعہ پایدار انسانی» است کہ در قالب «شبکہ های اجتماعی»، «ہنجارہا و ارزش های مشترک اجتماعی»، «اعتماد و قابلیت» و اعتماد ناشی از آن امکان گسترش می یابد. از سویی دیگر، از آنجا کہ می توان سرمایہ اجتماعی را نہ با آنچه کہ هست، بلکہ با آنچه کہ بہ وجود می آورد، تعریف می گردد، بر این اساس «مفہوم کارکردی» سرمایہ اجتماعی نمایان می شود. علاوہ بر این «فضاهای عمومی شہر» را می توان عرصہ ای دانست کہ داستان زندگی جمعی در آن ہا گشودہ می شود و مکانی نہ صرفا کالبدی، برای ایجاد تعاملات اجتماعی و مراودات شہروندی را فراہم می کند، چنانچہ بہ زعم بسیاری از اندیشمندان فضاهای عمومی شہر مؤلفہ ای

فهرست منابع

for the Sociology of Education, New York: Green Wood Press.

17. Carr S.; Francis M. Rivlin L. G.; Stone A. M., (1992), Public space, Cambridge series, In

18. Environmental and Behaviour, Cambridge University Press, Cambridge.

19. Coleman, J.S., Doyle, W.J., (1988), "**Social ties and susceptibility to the common cold**", in **social CAPITAL**". In Dekker, P. & uslaner, E.M. (Eds) (2001) Social Capital and Participation in Everyday life, Rutledge.

20. Fukuyama , F., (1999). "**Social capital and civil society, The Institute of Public Policy**" George Mason University, October 1999.

21. Gehl, Jan, (1987), "**Life between Buildings**", van Nostrand Reinhold.

22. Glazer, G., (1996), "**Geo-space urban design**", John Wiley and son, New York.

23. Goodman, W., (1968), "**Principles and Practice of Urban Planning**", international city Managers Association, Washington.

24. Hall, P., (1998), "**cities in civilizations: culture, innovation and urb order**", Weidenfeld & Nicolson, London.

25. Hayden, D., (1995), "**The Power of Place: Urban Landscapes as Public History**", MIT Press, Cambridge, Mass.

26. Langdon, P., (1994), "**A Better place to Live: Reshaping the American Suburb**", University of Massachusetts Press, Amherst.

27. Lefebvre, H., (1991), "**The Production of Space**", Blackwell, Oxford.

28. Maslow A., (1970), Motivation and personality (2nd ed.), New York: Harper & Row

29. Mitchell, D., (1996), "**introduction: Public space and the city**", Urban Geography 17(2).

30. Punter, J., (1995), "**Portland cements reputation for design awareness**", planning, No.1114, 14h April, pp.22-1.

31. Putnam, R.D., (1993), "**Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**". Princeton, NJ: Princeton University Press

32. Putnam, R.D., (2000), "**Bowling Alone: The collapse and Revival of American Community**", New York: Simon & Shuster.

33. Smith, L.K (1991) "**Community Participation in Health**", Community Development Journal, Vol.26, pp.112_117.

۱. افتخاری ، اصغر، (۱۳۸۲)، «**نبود سرمایه اجتماعی و تاثیر آن در امنیت**»، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع) ، شماره ۱۱ و ۱۲.

۲. اوکلی ، پیترو و دیوید مارسدن، (۱۳۷۰)، «**رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی**»، ترجمه منصور محمود نژاد ، وزارت جهاد سازندگی، تهران .

۳. بوزان ، باری، (۱۳۷۸)، «**مردم ، دولت ها و هراس**»، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی ، تهران.

۴. پوچی ، فرانکو، (۱۳۷۷)، «**تکوین دولت مدرن**»، ترجمه بهزاد باشی ، نشر آگه ، تهران.

۵. پورجعفر، محمدرضا و هادی محمودی نژاد، (۱۳۸۹)، «**طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری**»، انتشارات طحان، تهران

۶. عفتی ، محمد، (۱۳۷۱)، «**بررسی عوامل موثر در مشارکت روستاییان در طرح های توسعه روستایی**»، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

۷. راجرز، اورت ام و فلویید شومیکر، (۱۳۶۹)، «**رسانش و نوآوری**»، ترجمه عزت الله فولاد وندو ابوطالب کرمی، انتشارات دانشگاه شیراز.

۸. زمیل، گیورک، (۱۳۷۲)، «**کلانشهر و حیات ذهنی**»، ترجمه یوسف ابادزی، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، جلد دوم، شماره سوم.

۹. _____، (۱۳۴۵)، «**فرهنگ عمید**»، جلد اول ، انتشارات جاویدان علمی.

۱۰. فوکویاما ، فرانسیس، (۱۳۸۲)، «**سرمایه اجتماعی و تحول تکنولوژیک در عصر اطلاعات (مصاحبه)**»، ترجمه علی بختیاری زاده ، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق ، شماره ۱۱ و ۱۲.

۱۱. کارمونا، متیو، (۱۳۸۸)، «**مکان های عمومی - فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری**»، ترجمه دکتر فریبا قرایی و دیگران، انتشارات دانشگاه هنر.

۱۲. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، «**بنیادهای نظریه اجتماعی**»، ترجمه منوچهر صبوری ، نشر نی ، تهران.

۱۳. گای، دارام، (۱۳۷۱)، «**توسعه مشارکتی : چشم اندازهایی از تجربه توده های روستایی**»، ترجمه عصمت قائم مقامی ، فصلنامه روستا و توسعه ، شماره ۴.

۱۴. سازمان ملل متحد، (۱۹۹۴)، «**گزارش سالانه توسعه انسانی**»، ترجمه نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران.

۱۵. میسرا ، آر.پی و جی. شیر چیمبا، (۱۳۶۵)، «**مشارکت مردمی**»، ترجمه وزارت جهاد سازندگی ، نشریه جهاد ، شماره ۸۹.

16. Bourdieo, P. (1985), "**Forms of Capital**". In Richards, J.C.(ed), Handbook of Theory and Research

34. Tibbalds, F., (1992), "Making People Friendly Towns: Improving the Public Environments in Towns and Cities", Longman Press, Harlow.

36. Woolcock, Michael, (1998), "Social Capital and economic development: Toward a-theoretical analysis and policy framework", Theory and Society. Vol. 27, P. 151-208.

